

عنوان مقاله :

پادشاهی گشتاسپ، فره ایزدی و خرد آئینی
بررسی کیش، سیاست و فرهنگ در آستانه گسترش مزدیسنا

نویسنده: دکتر بصیر کامجو

چکیده

گشتاسپ، شاه کیانی و یکی از چهره‌های محوری در حماسه و تاریخ ایران باستان، نقشی بی‌بدیل در پیوند سیاست و دین و گذار فرهنگ آریایی از شاه‌سالاری داستانی - تاریخی به دین‌مداری حکیمانه ایفا می‌کند. این مقاله با رویکردی تحلیلی-تاریخی به بررسی دوره پادشاهی گشتاسپ، مفاهیم فره ایزدی، خرد آئینی، و جایگاه دین زرتشتی در ساختار حکمرانی می‌پردازد. سیر زندگی گشتاسپ از ترک میهن تا پذیرش دین زرتشت و پیروزی‌های ارتشی فرزندش اسفندیار، جلوه‌گاه تعامل سیاست، دین، و فرهنگ در ایران باستان است.

واژگان کلیدی:

گشتاسپ، زرتشت، فره ایزدی، خرد آئینی، کیانیان، اسفندیار، مزدیسنا، شاهنامه، اوستا

مقدمه

پادشاهی گشتاسپ را می‌توان چرخشگاهی در تاریخ فرهنگی و دینی ایران باستان دانست. دوره‌ای که در آن، با پیدایی زرتشت، نخستین صورت‌بندی الهیاتی و فلسفی منسجم در بستر حکمرانی ایرانی شکل گرفت. این مقاله با تکیه بر منابع حماسی مانند شاهنامه، متون دینی همچون اوستا، و اسناد تاریخی پهلوی، به تحلیل وجوه گوناگون این پادشاهی می‌پردازد.

اول - تاج‌گذاری گشتاسپ: میان میراث و مهر

گشتاسپ، فرزند لهراسپ، در پی اندرز کیخسرو از جانشینی منع شد⁽¹⁾. این رویداد، گشتاسپ را به ترک دیار و روی آوردن به سرزمین روم کشاند. او در آنجا، بی‌هیچ پشتوانه‌ای، با اتکا به توانایی‌های فردی و اخلاق نیک، جایگاه اجتماعی خویش را باز یافت. این بخش از زندگی گشتاسپ تبلور آموزه «وهومن» در آیین زرتشتی است⁽²⁾.

دوم - آزمون تبعید و فرّ ایزدی

ازدواج با کتایون، دلاوری‌های گشتاسپ در روم، و احراز اعتماد قیصر، گواهی بر فره ایزدی نهفته در شخصیت اوست. این فره نه با ارث پادشاهی، بلکه با سلوک و خرد به دست آمد (3). چنین تجربه‌ای، الگوی اخلاق فردی شاهانه در سنت ایرانی (تاجیک‌ها، پارس‌ها و گردها) را معرفی می‌کند.

سوم - بازگشت به بلخ و پذیرش مزدیسنا

گشتاسپ پس از بازگشت به ایران، با پیدایی زرتشت روبه‌رو شد. او پیام زرتشت را دریافت و از آن پشتیبانی نمود⁽⁴⁾ دین زرتشتی به‌مثابه سامانی فرهنگی و سیاسی، توانست ساختار جامعه را سامان دهد. بنیادگذاری آتشکده‌هایی چون آذرگشنسب، نماد این انسجام نوین بود.⁽⁵⁾

چهارم - تقابل با ارجاسب: نبرد دین و کین

ارجاسب، پادشاه توران، دشمن آیین نوین بود. در نبرد با او، گشتاسپ و زیریر شکست خوردند. اما اسفندیار، فرزند گشتاسپ، با رشادت و رویین‌تنی، دشمن را شکست داد. (6)(7) اسفندیار در ادبیات حماسی و دینی، نماد تجلی فره و ایمان در چهره پهلوانی آرمانی است.⁽⁸⁾

پنجم - فرجام پادشاهی کیانیان

پس از گشتاسپ، شاهانی چون بهمن، همای، داراب اول و دوم در متون حماسی به‌عنوان ادامه‌دهندگان پادشاهی کیانی معرفی شده‌اند⁽⁹⁾. با این حال، از نظر تاریخی، دوره کیانیان با پیدایی زرتشت در حدود 1000 تا 1200 ق.م هم‌زمان است و نمی‌تواند تا دوره تاریخی اسکندر مقدونی امتداد یافته باشد. روایت شاهنامه در اینجا بازتاب استوره‌ای از ذهنیت‌های تاریخی نویسندگان است.

ششم - فرهنگ دینی و حکمت معنوی

در دوران گشتاسپ، اوستا و گات‌ها، به نام مجموعه‌های معنوی، تدوین یا ثبت شدند. این متون، میراثی جاودانه در تفکر اخلاقی و هستی‌شناسی بشر به شمار می‌روند⁽¹⁰⁾. آموزه‌های گفتار نیک، کردار نیک و اندیشه نیک، ساختار اجتماعی را مبتنی بر فضیلت و خرد شکل دادند.⁽¹¹⁾

نتیجه‌گیری

گشتاسپ نه تنها پادشاهی سیاسی، بلکه بانی تغییر بنیادین در دین و فرهنگ ایران است. او حلقه پیوند اسطوره، دین، و حکمت در تمدن ایرانی - زرتشتی است. دوران وی، الگویی بی‌مانند از آمیزش قدرت سیاسی و تعهد دینی را ترسیم می‌کند که تأثیرات آن تا دوره‌های پسین ادامه یافت.

منابع و مأخذ

- 1 - فردوسی، ابوالقاسم شاهنامه. ویراست جلال خالقی مطلق، جلد ششم.
- 2 - دوستخواه، جلیل. اوستا، گزارش و پژوهش. ج 2، ص 1046. همچنین اوستا، یسنا 31 و 43.
- 3 - همان، ص 1048؛ شاهنامه، داستان زرتشت.
- 4 - نزهةالقلوب، ص 92-93؛ بندهشن، ترجمه مهرداد بهار.
- 5 - همان منابع؛ و گزارش شاهنامه از ساخت آتشکده‌ها.
- 6 - فردوسی، شاهنامه، داستان نبرد با ارجاسب.
- 7 - همان، داستان اسفندیار؛ ویشناسپیشت.
- 8 - خالقی مطلق، مقدمه بر جلد 6 شاهنامه.
- 9 - مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده. ص 180.
- 10 - اوستا، گات‌ها؛ پژوهش ژاک دوشن‌گیمن، حکمت مزدایی.
- 11 - رضایی، نصرالله. «اخلاق تطبیقی در آیین مزدیسنا»، فرهنگ ایران باستان، 1398.